



عاقبت خیال پردازی در ریاض؛

ترامپ کیش و
مات شد!

صورت مسئله کود حصارک پاک شد؟!

ده سال بلا تکلیفی، ده متر

گودال، هزار ترس هر روزه

نسل دوم نوآوری: آیا زیست بوم

استارتاپی ایران به بلوغ رسیده است؟

نوآوری پشت چراغ قرمز دولت!

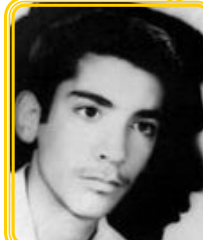
تهران، اردیبهشت ۱۴۰۴ - درست در میانه بازارچه‌ای کوچک در شرق تهران، زیر یک سقف شیروانی فلزی و میان انبوهی از سیم‌کشی‌ها و لپ‌تاپ‌های قدیمی، سه جوان در حال آزمایش یک سنسور هوشمند کشاورزی‌اند؛ محصولی بومی که می‌تواند با تحلیل داده‌های رطوبت و دمای خاک، آبیاری زمین را بهینه کند. ایده‌ای ساده اما کارآمد که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته با حمایت‌های دولتی به تجاری‌سازی رسیده است. اما اینجا، تنها حامی آن‌ها یک کارفرمای خوش ذوق است که حاضر شده برای خرید اولیه سرمایه‌گذاری کند... ادامه در صفحه ۱۶

جناب آقای دکتر محمد پوستین‌دوز

با نهایت تأثر و تأسف، درگذشت بانوی ارجمند و مادر بزرگوارتان را به حضور جناب‌عالی و خانواده گرامی تسلیت عرض می‌نماییم. بی‌تردید فقدان مادری فهیم، مهربان و دلسوز، اندوهی سنگین و جان‌فرساست، اما یقین داریم که ثمرات تربیتی و یادگارهای معنوی آن بانوی مکرمه، چراغ راه آیندگان خواهد بود. از درگاه ایزد منان برای روح آن عزیز از دست‌رفته، آرامش و رحمت واسعه الهی و برای شما و بازماندگان محترم، شکیبایی، عزت و سلامتی مسئلت داریم.

با احترام - مصطفی عبادی

یاد و خاطره شهدا، به ویژه «شهید حسین نبی‌آبادی‌روزبهرانی» که ۱۱ اسفند ۶۵ به مقام شامخ شهادت نائل گشت، گرامی باد



سفارت مراکش در دمشق بازگشایی می‌شود

مراکش در سی و چهارمین نشست سران اتحادیه عرب اعلام کرد تصمیم گرفته است سفارت خود در دمشق را پس از تعطیلی در سال ۲۰۱۲ بازگشایی کند. این اعلام در پیامی از سوی «محمد ششم» پادشاه مراکش بود که توسط «ناصر بوریطه» وزیر خارجه این کشور در سی و چهارمین نشست سران اتحادیه عرب قرائت شد. پادشاه مراکش در این پیام بار دیگر حمایت و پشتیبانی خود را از مردم سوریه برای تحقق آرمان‌هایشان و حفظ تمامیت ارضی کشورشان اعلام کرد. وی افزود: در راستای این موضع، پادشاهی مراکش تصمیم گرفته است سفارت خود در دمشق را پس از تعطیلی در سال ۲۰۱۲ بازگشایی کند، که این امر به گسترش بیشتر روابط دوجانبه بین دو کشور کمک خواهد کرد.

دنیایک‌هوادار

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۶

رویداد

حرف اول

عاقبت خیال‌پردازی در ریاض؛

ترامپ کیش و مات شد!

مهرداد تیموری



متحدان سنتی آمریکا نیز دیگر چک سفید امضا به ترامپ نمی‌دهند. عربستان، قطر و امارات، به‌رغم حضور نمادین و استقبال رسمی، عملاً راهبر خود را بر مبنای چندجانبه‌گرایی و فاصله گرفتن از یک‌جانبه‌گرایی آمریکایی پی‌ریزی کرده‌اند. ادعاهای ترامپ در ریاض، از جمله اینکه «تحریم‌ها مانع تأمین مالی تروریسم توسط ایران شده‌اند» یا اینکه «سرمایه‌هایی که دولت بایدن آزاد کرد، در مسیر اشتباهی خرج شد»، بار دیگر نشان می‌دهد که دستگاه فکری ترامپ همچنان گرفتار نگاه ایدئولوژیک، ساده‌انگارانه و تک‌بعدی به خاورمیانه و ایران است. این در حالی است که تجربه شکست‌خورده کمپین «فشار حداکثری» در دور نخست ریاست جمهوری او، به وضوح ناکارآمدی چنین رویکردی را نشان داده است. اقتصاد ایران با وجود فشارها، مسیر تطبیق‌پذیری نسبی را در پیش گرفت، و قدرت منطقه‌ای ایران نه تنها کاهش نیافت بلکه در برخی حوزه‌ها تثبیت شد. نکته مهم اینجاست: ترامپ نه تنها مردم ایران، بلکه حتی واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه را نمی‌شناسد. این بار نیز، مانند گذشته، بدون شناخت بسترهای اجتماعی و تاریخی ایران، زبان تهدید و تحریم را به کار گرفت؛ غافل از اینکه چنین لفاظی‌هایی تنها به انسجام داخلی و هم‌صدایی ملی در ایران می‌انجامد. آنچه در مقابل سخنان ترامپ رخ داد، نه خشم احساسی، بلکه واکنش حساب‌شده‌ی دستگاه سیاست خارجی و افکار عمومی در ایران بود؛ پاسخی آرام اما کوبنده: ما بازی را بلیدیم، و شما دیگر شطرنج‌باز خوبی نیستید.

نکته دیگر به شیوه استفاده ترامپ از مناسبات اقتصادی برمی‌گردد. وقتی از بن‌سلمان وعده ۶۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌گیرد، تنها به دنبال بازسازی برای

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پرحاشیه و پوپولیست ایالات متحده، بار دیگر با تور منطقه‌ای‌اش به خاورمیانه بازگشته است؛ توری که بیش از آنکه در پی دیپلماسی واقع‌گرایانه باشد، به نمایش سیاست‌ورزی نمایشی و خیال‌پردازی‌های تکراری درباره ایران بدل شد. اما این بار نیز همچون گذشته، نتیجه‌ای جز بازگشت با دست خالی نداشت. ادعاهایی گراف، تهمت‌هایی نخنما و آرزوی فروپاشی یک ملت، روایتی‌ست که بار دیگر ترامپ با خود به ریاض آورد؛ اما پاسخ ایران، نه در هیاهو که در صدای واحد و خونسردی راهبردی‌اش شنیده شد.

ترامپ در این سفر، کوشید از فرصت دیدار با محمد بن‌سلمان و سایر مقامات سعودی، بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی کند. از دیدار با سرمایه‌گذاران گرفته تا سخنرانی‌های تبلیغاتی با محور «شیطان‌سازی از ایران»، همه‌چیز در خدمت احیای تصویر «مرد قدرتمند کاخ سفید» بود. اما تکرار ادعاهایی از قبیل حمایت ایران از تروریسم، هزینه‌کرد «نادرست سرمایه»، و موفقیت تحریم‌ها، بیش از آنکه بر تحلیل دقیق مبتنی باشد، تلاشی برای مصرف داخلی و بازآفرینی وجهه آسیب‌دیده ترامپ در افکار عمومی آمریکاست.

از یاد نبریم که ترامپ در دور نخست ریاست‌جمهوری خود نیز با همین روش وارد منطقه شد: بستن قراردادهای چندصد میلیارد دلاری تسلیحاتی با عربستان، نمایش اتحاد علیه «محور شرارت» منطقه‌ای، و پمپاژ توهمات «مهار ایران». حالا نیز در آستانه دور دوم، همان سناریو را در فضایی تکراری اجرا می‌کند، با این تفاوت که حتی

سرمقاله

در باب نقش کتاب

در توسعه و پیشرفت

سارانتصری

این یک واقعیت اثبات شده است که رمز حصول پیشرفت کشورهای توسعه یافته و مترقی، امر مطالعه و دانش افزایی سودمند و هدفمند بوده و مطالعه و کتابخوانی را از ضروریات برنامه‌های حیاتی خود برشمردند، اند، چرا که افراد هر جامعه زمانی به این ضرورت فرهنگی بها داده و آن را جدی بگیرند در رشد و پیشرفت جامعه تاثیرگذار و در تربیت نسل های امروز وفردای جامعه نقش سازنده ای را عهده دار خواهد بود. بنابراین در یک جامعه که افراد آن اهل مطالعه هستند، مردم و مسئولین به تفاوت اندیشه اعتقاد دارند. به ساختار، رویه، قانون، آیین نامه اعتقاد دارند. حقوق شهروندی را رعایت می‌کنند. وارد حریم خصوصی افراد نمی‌شوند. مردم حق، داشتن تشکل و سوال کردن دارند. انتخابات، روش صلح‌آمیز تغییر سیاست‌ها و جهت‌گیری‌هاست.

در حال حاضر از مهم ترین دلایل کاهش سطح مطالعه می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم آگاهی از اهمیت مطالعه در پیشرفت روحی و اجتماعی افراد، ضعف فرهنگ اطلاع‌رسانی و عدم توجه به کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی، نارسایی‌های سیستم آموزش در مهم جلوه‌دادن کتاب‌های درسی و جلوگیری از مطالعه متون غیر درسی و آزاد، عدم حمایت از فرهنگیان و نویسندگان، انتشار کتاب‌های غریبه در حقیقت شمار زیادی از نویسندگان ما برای مخاطب عام کتاب نمی‌نویسند و عمده توجه‌شان این است که کتاب‌شان مورد توجه اهل فضل و اهل قلم واقع شود. این در حالی است که کمتر نویسنده‌ای به این نکته توجه می‌کند که بدنه جامعه چگونه‌اند، چقدر سواد دارند و به چه مطالبی علاقه‌مند هستند؟ حتی باید تلاش کرد، مفاهیم عمیق را با بیان ساده‌ای که برای بیشتر مردم قابل فهم باشد. بی تردید جامعه‌ای که در آن فضای مطالعه پژوهش و تحقیق، به لحاظ سخت افزاری و نرم افزاری، به شکل مطلوب و بدون قید و بندهای دست و پاگیر فراهم باشد نسبت به جامعه‌ای که از فرهنگ مطالعه و تحقیق دور است، کمتر از فرهنگ‌های بیگانه تاثیر می‌پذیرد. در جامعه‌ای که ما زندگی می‌کنیم با توجه به اهمیت کتاب و کتابخوانی باید عادت به مطالعه در همه تفکرات و اندیشه‌ها و دل‌ها همگانی شود و شور، شوق و عشق به کتاب و کتابخوانی در جامعه استمرار داشته باشد. کتابخوانی نباید به یک عده یا یک گروه خاص تعلق داشته باشد بلکه هر فرد باید با کتاب زندگی کند و بنا به فرموده مقام معظم رهبری: مردم باید به کتابخوانی عادت کنند و کتاب وارد زندگی مردم شود. مطالعه و کتابخوانی باید به عنوان یک نیاز و احساس دایمی لازم و روزانه در میان عموم رائج و مطرح باشد تا افراد جامعه به خواندن و مطالعه ترغیب نشان دهند و فرهنگ کتاب و کتابخوانی ترویج پیدا کند.

بین‌الملل

مسیر سخت کاخ سفید برای توقف جنگ اوکراین؛ صبر ترامپ در قبال پوتین به پایان رسیده؟



پایگاه خبری هیل در مطلبی با اشاره به تلاش «دونالد ترامپ» برای پایان جنگ در اوکراین از طریق تماس و حتی دیدار با «ولادیمیر پوتین» نوشت: به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور آمریکا صبرش به پایان رسیده و از همتای روس سرخورده است.

به گزارش «دنیای‌هوادار» به نقل از این پایگاه خبری متعلق به کنگره آمریکا، به نظر می‌رسد دولت ترامپ صبرش در برابر پوتین به پایان رسیده است، حتی با وجود آنکه رئیس‌جمهوری آمریکا با هدف پایان جنگ اوکراین، پیشنهاد ملاقات حضوری با همتای

روس را داده است.

ترامپ این هفته حتی پیشنهاد حضور پوتین را در حاشیه مذاکرات میان مقامات مسکو و کی‌یف مطرح کرد، اما کرملین، درست پیش از آغاز مذاکرات، اعلام کرد که رئیس‌جمهوری روسیه در این نشست حاضر نخواهد بود و در عوض مقامات سطح پایین‌تری را فرستاد. این امر باعث شد که مارکو روبیو وزیر امور خارجه آمریکا که برای نشست‌هایی در مورد حمایت اروپا از اوکراین در ترکیه حضور داشت، از شرکت در مذاکرات صرف نظر کند. روبیو اندکی پس از این تصمیم گفت که دیدار ترامپ و پوتین «تنها راه» پایان جنگ است؛ اظهاراتی که به نوشته هیل، نشان‌دهنده نارضایتی ایالات متحده از تاخیر به عمد پوتین است.

در این میان پوتین اگرچه می‌گوید به دنبال بهبود روابط با ایالات متحده است، اما تاکنون تمایلی به ارائه هرگونه امتیاز در مورد اوکراین نشان داده است.

ترامپ دیروز شنبه اعلام کرد که قرار است روز دوشنبه با پوتین تماس بگیرد، اما رهبر کرملین تاکنون درخواست‌های ترامپ برای آتش‌بس را رد کرده است.

ترامپ یک روز پیش از این و در روز جمعه نیز در هواپیمای ویژه ریاست‌جمهوری به خبرنگاران گفت: «ما باید ملاقات کنیم. من و او ملاقات خواهیم کرد، فکر می‌کنم آن را حل خواهیم کرد، یا شاید نه. اما دستکم

این را متوجه می‌شویم و اگر آن را حل نکنیم، بسیار جالب خواهد بود».

هیل از همین رو آخرین تلاش ترامپ برای تضمین ملاقات با پوتین را پرخطر ارزیابی کرده و آورده است: کارشناسان سیاست خارجی با اشاره به سابقه ترامپ در طرفداری از پوتین که به دولت اول او برمی‌گردد، چنین دیداری را خطرناک می‌دانند.

ترامپ در سال ۲۰۱۸ انکار پوتین مبنی بر دخالت روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا را تایید کرد و یافته‌های جامعه اطلاعاتی ایالات متحده پس از دیدار با وی را هم نادیده گرفت.

سی‌ان‌ان نیز پس از دیدار چندباره استیو ویتکاف فرستاده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه از مسکو، گزارش داد که وی پس از جلسات با پوتین نکات مورد بحث کرملین را تکرار می‌کند.

ماریا استنگوویا پژوهشگر ارشد امور روسیه و اوراسیا در «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» (CSIS) در این زمینه به هیل گفت: «برای اکثر ناظران روشن است که پوتین علاقه‌ای به مذاکرات جدی یا آتش‌بس ندارد. اگر قرار باشد چنین جلسه‌ای (دیدار ترامپ با پوتین) برگزار شود، تنها پوتین را جسورتر می‌کند، زیرا این به معنای پایان انزوای دیپلماتیک او بدون دادن هیچ امتیازی خواهد بود».



رویداد اردیبهشت شعر البرز برگزار می‌شود

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرج از برگزاری رویداد اردیبهشت شعر البرز، به همراه تجلیل و بزرگداشت استادان حوزه شعر و ادبیات خبر داد.

با اشاره به جایگاه شعر و ادبیات البرز در حوزه فرهنگ و ادب کشور و همچنین ظهور و بروز اساتید برجسته از شهر کرج در حوزه شعر و ادبیات، اظهار کرد: شهر کرج و استان البرز از دیرباز خاستگاه هنرهای مختلف و اصیل ایرانی بوده که در برخی عرصه‌های مهم نظیر شعر، ادبیات فارسی، خوشنویسی و بسیاری از شاخه‌های هنری دیگر، زبان‌زد خاص و عام است و همین امر لزوم نکوداشت هنر و ادب البرز برای شناخت بیش از پیش عموم مردم و به‌ویژه نسل جوان را دوچندان می‌کند.

دنیای سوادادار

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۶

۳ در شهر

از «البرز» چه خبر؟

معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج:

بسته تشویقی جدید برای بافت فرسوده کرج تصویب شد



سعیدی‌کیا گفت: اختصاص پنج درصد از عواید صدور پروانه به سازمان عمران و بازآفرینی فضاهای شهری برای اجرای اسناد بازآفرینی توسعه محلات نیز یکی دیگر از ویژگی‌های این بسته است که می‌تواند به بهبود زیرساخت‌ها و خدمات در محلات هدف کمک کند.

تصویب رسید. وی در ادامه با اشاره به برخی جزئیات این بسته تشویقی گفت: در کاربری مسکونی، عوارض صدور پروانه با تاکید بر تجمیع، واگذاری معبر حذف شده ناشی از تجمیع و اعطای طبقه تشویقی موضوع مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری نیز بدون اخذ هزینه از مالکین، به ایشان اعطاء خواهد شد. معاون معماری و شهرسازی شهرداری کرج تصریح کرد: با توجه به اینکه ارتقای کیفیت محیطی و تامین کاربری‌های خدماتی در محلات بافت فرسوده همزمان با نوسازی مسکن همواره مورد تاکید معاونت شهرسازی و معماری بوده، تخفیفات و تسهیلاتی از جمله رایگان شدن عوارض صدور پروانه، عوارض آتش‌نشانی و پسماند و همچنین اعطای تراکم و طبقه مازاد، بدون اخذ ارزش افزوده در بسته تشویقی جدید پیش بینی شده که این مهم یکی از تفاوت‌های این بسته با بسته قدیم است.

معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج گفت: بسته تشویقی جدید برای بافت فرسوده کرج توسط شورای اسلامی شهر کرج تصویب شد. معاون شهرسازی و معماری شهرداری کرج از ارائه بسته تشویقی جدید برای بافت فرسوده شهر خبر داد و اظهار کرد: با توجه به پایان مهلت بسته تشویقی قبلی بافت فرسوده در پایان سال ۱۴۰۳، تدوین بسته جدیدی با رویکرد آسیب‌شناسی بسته قبلی و بررسی آثار کالبدی اجتماعی و اقتصادی آن از نیمه دوم سال گذشته در دستور کار معاونت شهرسازی و معماری قرار گرفت.

عباس سعیدی‌کیا توضیح داد: بسته تشویقی پیشنهادی پس از برگزاری جلسات کارشناسی متعدد با حوزه‌های مربوطه از جمله درآمد، حقوقی، سازمان عمران و اعمال نقطه نظرات ایشان تدوین و پس از اصلاح نهایی، به شورای اسلامی شهر کرج ارائه شد و پس از بررسی‌های لازم در کارگروه‌ها و کمیسیون برنامه و بودجه، در صحن علنی شورا به

طوفان در کرج ۴۳ حادثه رقم زد



فضای باز و تراس را جمع‌آوری یا مهار کنید. ۴. کولرهای پشت‌بامی، آنتن و داربست‌ها را محکم کنید. ۵. پنجره‌ها و درهای خارجی را کاملاً ببندید تا باد وارد خانه نشود. ۶. از نزدیک شدن به کابل‌های برق آسیب‌دیده یا افتاده روی زمین پرهیز کنید. ۷. در زمان هشدار طوفان، از منزل خارج نشوید مگر در شرایط اضطراری. ۸. اگر در حال رانندگی هستید، در مکان امن توقف کرده و منتظر آرام شدن وضعیت بمانید. ۹. به اطلاعیه‌های رسمی هواشناسی و آتش‌نشانی توجه کرده و آن‌ها را از منابع معتبر دنبال کنید. ۱۰. از حضور در حاشیه رودخانه‌ها، کانال‌ها و مناطق با خطر سیلاب خودداری کنید. ۱۱. چراغ‌قوه، باتری، رادیو، و شارژر همراه را در دسترس داشته باشید. ۱۲. مواد غذایی خشک و آب آشامیدنی برای مواقع اضطرار تهیه و ذخیره کنید. ۱۳. اگر در منطقه مرتفع یا ساختمان بلند هستید، پناه‌گیری در نقاط ایمن ساختمان را در نظر بگیرید. ۱۴. پس از پایان طوفان، با احتیاط از خانه خارج شوید و مراقب سازه‌های آسیب‌دیده یا اجسام سقوط کرده باشید. ۱۵. از روشن کردن آتش در فضای باز جدا خودداری کنید و اگر آتشی ایجاد کرده‌اید، حتماً آن را خاموش کنید، وزش باد شدید می‌تواند به سرعت منجر به گسترش آتش سوزی شود. ۱۶. در صورت وقوع حادثه، با سامانه ۱۲۵ تماس بگیرید و مکان دقیق را اعلام کنید. رئیس سازمان آتش‌نشانی در پایان از شهروندان خواست تا ضمن حفظ خونسردی، همکاری لازم را با نیروهای امدادی و خدماتی داشته باشند و هشداری ایمنی را جدی بگیرند.

سنگ نمای ساختمان، یک مورد قطع کابل برق، یک مورد ریزش دیوار، یک مورد احتمال سقوط تیر چراغ برق و یک مورد سقوط داربست از دیگر حوادث این طوفان بود. یساولی، از شهروندان درخواست کرد در زمان بروز طوفان، از پارک خودرو زیر درختان و سازه‌های ناپایدار خودداری کنند و از حضور در فضای باز بپرهیزند. وی اضافه کرد: برای رسیدگی به این حوادث، ۸۶ نیروی عملیاتی به همراه ۴۳ دستگاه خودروی امدادی به محل‌های مختلف اعزام شدند. رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج در ادامه درباره احتمال وقوع طوفان‌های آتی هشدار داد و ۱۶ توصیه کلیدی برای کاهش خطرات احتمالی ارائه کرد: ۱- از حضور در فضاهای باز به ویژه اطراف درختان، تیر چراغ برق و ساختمان‌های نیمه‌کاره خودداری کنید. ۲- خودرو را زیر درخت، تابلو، یا سازه‌های ناپایدار پارک نکنید. ۳- وسایل سبک مانند گلدان، میز و صندلی در

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج با اشاره به وقوع ۴۳ حادثه بر اثر طوفان روز پنج‌شنبه در شهر کرج و احتمال وقوع مجدد طوفان و وزش باد شدید، از شهروندان خواست با رعایت نکات ایمنی، از خود و خانواده‌شان برابر حوادث احتمالی محافظت کنند. محمد یساولی اظهار کرد: روز پنج‌شنبه در پی طوفانی که در کرج رخ داد، ۴۳ مورد حادثه به سامانه ۱۲۵ گزارش شد که با تلاش نیروهای عملیاتی، تمامی موارد تحت کنترل قرار گرفت. یساولی افزود: در جریان این طوفان، ۶ مورد سقوط درخت بر روی خودرو، سه مورد سقوط درخت روی منزل مسکونی، هفت مورد سقوط درخت روی کابل برق، یک مورد سقوط درخت روی علمک گاز و هفت مورد سقوط درخت در معابر عمومی به وقوع پیوست. رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرج بیان کرد: چهار مورد احتمال سقوط تابلو تبلیغاتی، یک مورد سقوط تابلو روی خودرو، چهار مورد سقوط اشیاء از ارتفاع، ۶ مورد سقوط

مکث

صدای تولید در حاشیه شهر در نمی‌آید؛

این محله‌ها منتظر

اعتبارند، نه ترحم!

یاسمن یزدانی

در هیاهوی سود و سرمایه، شاید صدای خیاطی که در گوشه‌ای از حاشیه شهر با یک چرخ‌خیاطی مستهلک نان درمی‌آورد، شنیده نشود. یا کارگاهی که سه جوان در انباری خانه‌ای اجاره‌ای به زحمت راه انداخته‌اند، جایی در فرمول‌های بانکی ندارد. اما روایت این روزهای «مجتبی عبداللهی»-استاندار البرز- از محله‌هایی که با سرمایه‌های کوچک، در تلاش‌اند تا چرخ تولید را هرچند کند، اما زنده نگه دارند، دعوتی است برای بازنگری در معنای توسعه. عبداللهی، در جلسه شورای بانک‌های استان، از تجربه‌هایی گفت که بی‌تردید باید شنیده شوند: محله‌هایی که با همت و انگیزه، نه با وام‌های کلان یا رانت‌های سازمان‌یافته، تولید را آغاز کرده‌اند. او خواستار تسری اقدامات اثربخش بانک‌ها به این مناطق شد و تاکید کرد که بانک‌ها باید نقشی فراتر از وام‌دهی صرف ایفا کنند؛ به‌عنوان بازوی توسعه‌ای، نه صرفاً حسابگر سود و ضمانت.

نهاد مالی یا نهاد انسانی؟

بانک در ایران امروز، بیش از هر زمان دیگری باید بداند که نقش اجتماعی‌اش تنها در ترازنامه‌ها تعریف نمی‌شود. این نهادهای مالی، اگر بخواهند تنها در دفاتر مرکزی و اسناد رسمی بمانند، دیر یا زود پیوندشان با جامعه را از دست می‌دهند. عبداللهی با طرح ایده‌ای جسورانه، خواستار راه‌اندازی یک مدل حمایتی ویژه شد که سرمایه‌های خرد را به بنگاه‌های کوچک و زودبازده تبدیل کند. مدلی که اگر با مشارکت نظام بانکی به اجرا برسد، می‌تواند الگویی ملی برای توسعه پایدار از پایین به بالا باشد. این همان توسعه‌ای است که از دل محله می‌رود، نه از دل جلسات پرزرق‌وبرق. توسعه‌ای که به دست مردم ساخته می‌شود، اگر فقط بانک‌ها به جای طلب وثیقه‌های چندمیلیاردی، به انگیزه و کارآمدی نگاه کنند.

در این نشست، عزیزاله افضل، معاون اقتصادی استانداری نیز از نبود توازن میان رشد جمعیت استان و خدمات بانکی گفت. مسئله‌ای که اگر جدی گرفته نشود، می‌تواند سرمایه‌گذاری را در نطفه خفه کند. او از تفاوت عملکرد بانک‌ها در نسبت تسهیلات به سپرده‌ها انتقاد کرد و خواستار افزایش هم‌افزایی شد. جالب آن‌که حتی در موضوع تسهیلات اشتغال‌زایی مددجویان بزه‌یستی، برخی بانک‌ها هنوز با چرتکه و بخشنامه‌های محدودکننده پیش می‌روند؛ گویی اولویت با کاغذ است، نه آدم. افضلی به‌درستی بر ضرورت راه‌اندازی «پنجره واحد مالی» برای تسهیل امور سرمایه‌گذاران تاکید کرد؛ حرکتی که می‌تواند فرایندهای پیچیده بانکی را انسانی‌تر، شفاف‌تر و کارآمدتر کند. تا زمانی که کارآفرین باید برای یک وام اندک میان بانک، اداره کار، بهزیستی و دستگاه‌های دیگر پاس‌کاری شود، نمی‌توان از رشد اقتصادی سخن گفت.

چالش اعتماد: مهم‌ترین سرمایه‌ی بانکی

در دل همه این بحث‌ها، یک نکته اساسی وجود دارد که استاندار البرز با دقت به آن اشاره کرد: «هر رفتاری در یک شعبه بانک، مستقیماً بر اعتماد عمومی به نظام بانکی و حتی کلیت نظام جمهوری اسلامی اثرگذار است.» این گزاره ساده، اما تلخ، آینه‌ای از وضعیت روابط نهادهای رسمی با جامعه است. در شرایط دشوار اقتصادی، نحوه پاسخ‌گویی، نوع رفتار کارمند بانک، حتی لحن گفتار یا تأخیر در روند یک پرونده، می‌تواند سرنوشت یک اعتماد را تعیین کند. در عصر شبکه‌های اجتماعی و شفافیت مطالبه‌گر، بانک‌ها باید بیش از گذشته بر آموزش نیروی انسانی، ارتقاء مهارت‌های ارتباطی و درک متقابل تمرکز کنند. سرمایه اجتماعی، به‌سادگی از دست می‌رود و بازسازی آن با هیچ تسهیلاتی جبران نمی‌شود. البرز، با جایگاه بالایی خود در میان استان‌های دارای شرکت‌های دانش‌بنیان، پتانسیل بی‌بدیلی برای جهش اقتصادی دارد. اما جهش، با وام‌های گزینشی، ضمانت‌های سنگین و نگاه صرفاً تجاری محقق نمی‌شود. بانک باید خطر کند، اعتماد کند، ریسک را با عقلانیت بپذیرد و به‌جای سرمایه‌گذار صرف، شریک اجتماعی توسعه شود. امروز اگر البرز بتواند الگویی انسانی برای رابطه بانک و محله ارائه دهد، فردا می‌توان این تجربه را به دیگر نقاط کشور تعمیم داد. توسعه از دل محله، تنها زمانی اتفاق می‌افتد که بانک، به‌جای قلعه‌های شیشه‌ای، پنجره‌ای رو به کوچه باز کند.

فعالیت معادن در کوه کرکس موجب تعارض بین انسان و حیات وحش شده است

رئیس اداره حفاظت و مدیریت زیست گاه ها و امور مناطق اداره کل حفاظت محیط زیست استان اصفهان گفت: فعالیت معادن در کوهستان کرکس موجب احساس ناامنی حیوانات در زیستگاه خود شده که این موضوع تعارض بین انسان و حیات وحش را در این منطقه افزایش داده است.

به گزارش «دنیای هوادار»، «منطقه حفاظت شده کرکس» با وسعت ۱۱۴ هزار هکتار بخشی از جنوبی ترین منطقه کرکس است که شهر نطنز در دامنه شرقی آن قرار دارد. ۶۰ معدن از سال‌ها پیش در کوهستان کرکس فعالیت که از این شمار حدود ۳۹ معدن در منطقه حفاظت شده کرکس قرار دارند.

بهر روز ستایش با اشاره به اینکه فعالیت معادن، حیات وحش منطقه را دچار ناآرامی کرده و به کشاورزی و زندگی مردم خسارت وارد می‌کند، افزود: افزایش حمله گرازها به باغات مردم در روستاها و شهرهای حوالی این منطقه ناشی از احساس ناامنی این حیوانات در زیستگاه خود به دلیل فعالیت معادن است.

وی با اشاره به فعالیت معادن در منطقه حفاظت شده کرکس، این موضوع را ناشی از حقوق مکتسبه معادن قبل از تعیین منطقه به عنوان حفاظت شده دانست و بر لزوم نظارت دقیق‌تر بر برداشت معادن و جبران خسارات زیست محیطی تأکید کرد.

ستایش با بیان اینکه سازمان حفاظت از محیط زیست در صدور مجوز این معادن نقشی نداشته و استقرار آن‌ها در منطقه کرکس بر اساس مجوزهای قانونی بوده است، گفت: نظارت بر نحوه برداشت و پرداخت حقوق دولتی بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت (صمت) است، اما محیط زیست در زمینه مسائل زیست محیطی و خسارات وارده، از طریق بندهای قانونی پیگیری‌های لازم را انجام می‌دهد.

وی از آغاز شناسنامه‌دار کردن معادن و نظارت بیشتر بر آن‌ها خبر داد و گفت: اولین شکایت محیط زیست در سال جاری به شورای معادن استان ارسال شده و پیگیری‌ها برای جبران خسارات وارده به مناطق آسیب دیده ادامه دارد.

وی همچنین با اشاره به تأثیر برداشت بی‌رویه معادن بر منابع آبی منطقه، خواستار تعریف پروژه‌های تحقیقاتی برای بررسی اثرات این فعالیت‌ها بر قنات کشاورزی شد و تأکید کرد که جهاد کشاورزی، دانشگاه علوم پزشکی و محیط زیست می‌توانند در صورت بروز خسارت به قنات، سلامت مردم و محیط زیست، به عنوان متولی شکایت کنند.

رئیس اداره حفاظت و مدیریت زیست گاه ها و امور مناطق اداره حفاظت محیط زیست استان اصفهان با تأکید بر اینکه قانون‌گذار وظیفه‌ای برای نظارت بر بهره‌برداری معادن بر عهده محیط زیست نگذاشته است، تصریح کرد: محیط‌زیست صرفاً در بحث مسائل و مشکلات زیست محیطی می‌تواند اظهار نظر و شکایت کند.



سال ۱۴۳۰ از هر ۴ ایرانی یک نفر سالمند است

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اعلام کرد: وضعیت پیری جمعیت کشور به گونه‌ای است که سال ۱۴۳۰ از هر چهار ایرانی یک نفر سالمند است. براساس پیش‌بینی‌ها در سال ۱۴۱۰ جمعیت بالای ۶۰ سال به ۱۲ میلیون و ۹۸۶ هزار و ۵۶ سالمند خواهد رسید که ۱۴۰۶ درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شود همچنین پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۲۰ میزان جمعیت بالای ۶۰ سال، ۱۸ میلیون و ۹۰۰ هزار و ۴۴۵ سالمند باشد که این تعداد ۱۹.۳۷ درصد از جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهد؛ این آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۴۳۰، تعداد ۲۶ میلیون و ۴۸۴ هزار و ۴۲ سالمند بالای ۶۰ سال در کشور زندگی خواهند کرد که ۲۶.۱۲ درصد از جمعیت کل کشور را دربرمی‌گیرد.

دنیای هوادار

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۶

جمعه

دیدگاه

صورت مسئله گود حصارک پاک شد!

ده سال بلا تکلیفی، ده متر گودال، هزار ترس هرروزه



علیرضا نظری

گود حصارک، یک اسم نیست. استعاره‌ای است از فروپاشی سیاست‌گذاری شهری، بی‌اعتنایی به حقوق انسان‌ها، و بی‌عدالتی ساختاری در دل یک شهر. این گودال دهمتری رها شده در دل پایین‌شهر کرج، نه فقط خطر فیزیکی که هشداری اخلاقی برای ماست؛ برای شهری که زمین زیرپایش شکاف برداشته، اما هنوز کسی از مسئولان آن‌طور که باید، صدایش را نشنیده است.

پیش از یک دهه از گودبرداری غیرقانونی در باغ ناصربخت گذشته؛ زمینی که مالک آن بدون اخذ مجوز، دست به گودبرداری عظیمی زد و حالا، خانه‌های اطراف این گود، مثل خانه‌های روی لبه پرتگاه، هر لحظه ممکن است در خود فرو بروند. این خانه‌ها نه فقط ساختمان، که زندگی‌اند؛ زندگی آدم‌هایی که سند رسمی ندارند اما حق زیستن دارند. حق ایمنی. حق شنیده شدن. یکی از ساکنان با صدایی لرزان به خبرنگار گفته: «هر وقت بارون میاد، با ترس از خونه بیرون میایم. زندگی‌مون فرسایش روانی شده.» و این جمله، به‌تنهایی یک سند است؛ سندی بر زنجی که دیده نمی‌شود، دردی که نهاده‌پنه شده، و فریادی که به دیوار سکوت مسئولان کوبیده شده است. اما چرا هیچ‌کس پاسخ نمی‌دهد؟ چرا این گود که مثل زخمی عمیق بر تن شهرنشسته، هنوز التیام نیافته؟ شاید چون آن بالا، در جلسات برق و میکروفرودار، اولویت‌ها فرق می‌کنند. در همان شهری که تابلو و بیلپورد روی سر مردم می‌افتد و کسی بازخواست نمی‌شود، یا کامیونی از خط ویژه رد می‌شود و جان کودک را می‌گیرد، انتظار داریم کسی برای «گود حصارک» کاری بکند؟

در سال ۱۳۹۳، گودبرداری بدون مجوز انجام شد. در سال ۱۳۹۸، تازه برای اخذ پروانه اقدام شد. پنج سال تخلف، پنج سال سکوت، پنج سال فاجعه‌ی منتظر وقوع. حالا بیش از ده سال از شروع این بحران می‌گذرد، اما هنوز گود، پر نشده. هنوز مردم بلا تکلیف‌اند. هنوز میان ماندن و رفتن، مرگ و زندگی، حق و بی‌حقی، گیر کرده‌اند.

آیت‌الله حسینی همدانی، امام جمعه کرج، به درستی این

گود را به خطبه‌ها آورد. گفت که دو بار شخصاً به محل رفته و هشدار داده است. اما باید گفت: هشدار کافی نیست. تهدید به اعلام نام مسئولان هم کافی نیست. مردم می‌خواهند «عمل» ببینند. خانه‌هایی که دیوارهایشان ترک برداشته، با وعظ ترمیم نمی‌شوند. اینجا «برنامه‌ریزی عملیاتی» می‌خواهیم، نه صرفاً خطبه و تذکر. آنچه بیش از خود گودال خطرناک است، فقدان پاسخگویی است. بی‌نظمی نهاده‌ی فقدان یک صدای واحد از مدیریت شهری. حتی وقتی یکی از اعضای شورای شهر (اسدیان) هشدار می‌دهد که «این پروژه از ابتدا غیرقانونی بوده»، همچنان همه‌چیز در برزخ می‌ماند. در چنین فضایی، اعتماد عمومی فرومی‌ریزد، حتی پیش از آن که دیوار خانه‌ای بریزد.

مسئله این نیست که پروژه‌ای خلاف انجام شده. مسئله این است که نهاده‌های ناظر، پس از افشا شدن تخلف هم، همچنان منفعل مانده‌اند. این یعنی انکار عدالت. این یعنی بی‌اثر بودن قانون. این یعنی گود حصارک، نه فقط گود، که نماد یک سیستم ناکارآمد است؛ سیستمی که وقتی پروژه‌ای تبلیغاتی و پر زرق‌وبرق باشد، ده‌ها تیم مستندساز و کلنگ‌زن روانه‌اش می‌کند؛ اما وقتی پای مردم پایین‌شهر در میان باشد، سکوت حکمفرماست.

ساکنان اطراف گود، سند رسمی ندارند. این خود یک لایه دیگر از تراژدی است. چون فقدان سند، هم ابزار سرکوب است و هم بهانه‌ای برای شانه خالی کردن مسئولان. می‌گویند: «سند نداریم، پس اعتراضی هم نکن!» در

حالی که مردم آن خانه‌ها، سال‌هاست ساکن آن منطقه‌اند، آب و برق مصرف کرده‌اند، مالیات و عوارض داده‌اند. اما حالا در مواجهه با خطر، نه خانه دارند، نه حق دارند، نه پناه دارند. این گودال را نمی‌شود صرفاً به‌مثابه یک بحران شهری دید. این یک بحران انسانی‌ست. بی‌خانمانی در کمین است. فقر، در کمین است. فاجعه‌ای که در چند دقیقه ممکن است رخ دهد، اما نتیجه‌اش برای سال‌ها باقی خواهد ماند. و اگر روزی خانه‌ای فروپاشد، کسی در دادگاه نمی‌تواند بگوید که از خطر بی‌خبر بوده است. مسئولان شهری، نمایندگان مجلس، استاندار، فرماندار، سازمان نظام مهندسی، شهرداری منطقه و دستگاه‌های قضایی؛ همه مسئول‌اند. همه باید بگویند چرا این گود تا امروز پر نشده است؟ و اگر پر نمی‌شود، چه برنامه‌ای برای اسکان موقت، بازسازی منطقه، و جبران خسارات وجود دارد؟ این سوال ساده‌ای‌ست که اگر پاسخش داده نشود، خود به پاسخ بدل خواهد شد: پاسخی که زمین با فروریزش خواهد داد.

در پایان، باید گفت: مردم حصارک، نه پروژه تجاری می‌خواهند، نه برج و آپارتمان. فقط می‌خواهند زنده بمانند. این ساده‌ترین مطالبه یک شهروند است. مطالبه‌ای که در کشوری با این همه نهاد و ستاد، نباید سال‌ها به تعویق بیفتد. گود حصارک، گود اعتبار حکومت محلی است. پشندش، شاید مرهمی بر زخم اعتماد مردم باشد.

بهداشت

«سازمان غذا و دارو»: مراقب میزان متانول در عرقیات گیاهی خانگی باشید



بر سطح متانول نهایی تأثیرگذار است، به همین دلیل توصیه می‌شود از خرید عرقیات فاقد مجوز بهداشتی و نامعتبر خودداری شود.

وی افزود: برخی افراد علاقه‌مند به تولید گلاب و عرقیات گیاهی در منزل هستند که در این صورت رعایت چند نکته ضروری است.

امیری توصیه کرد: پیش از آغاز فرآیند، گیاهان به دقت پاکسازی شده و در مواردی که امکان دارد از ساقه و شاخه‌های کمتر استفاده شود، همچنین مدت زمان خیساندن گیاه در آب و زمان جوش و تقطیر باید تا حد امکان کوتاه شود.

وی تأکید کرد: بخار حاصل از جوشاندن گیاهان طی فرآیند عرق‌گیری تا زمان سرد شدن، بهتر است در ظرف درپاز ریخته شود؛ زیرا باز بودن در ظرف به تبخیر متانول کمک می‌کند.

رئیس اداره آزمایشگاه کنترل غذا و دارو تصریح کرد:

مراقب میزان متانول در عرقیات گیاهی خانگی باشید رئیس اداره آزمایشگاه کنترل غذا و دارو سازمان غذا و دارو با اشاره به اینکه برخی افراد علاقه‌مند به تولید گلاب و عرقیات گیاهی در منزل هستند گفت: در گیاهان ترکیب سمی به نام متانول وجود دارد که بسته به نوع گیاه، شرایط رشد و تنش‌های وارده، میزان آن متفاوت است بنابراین مراقب متانول در عرقیات خانگی باشید.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از سازمان غذا و دارو، رویا امیری بر اهمیت توجه به میزان متانول در عرقیات گیاهی تأکید کرد و نسبت به مصرف عرقیات نامعتبر و فاقد مجوز بهداشتی هشدار داد.

وی افزود: در گیاهان ترکیب سمی به نام متانول وجود دارد که بسته به نوع گیاه، شرایط رشد و تنش‌های وارده، میزان آن متفاوت است.

امیری با اشاره به تأثیر فرآیند تولید بر میزان متانول موجود در عرقیات اظهار کرد: روش تهیه عرقیات از گیاه

برخی گیاهان مانند خارشتر، شنبلیله و کاسنی به‌طور طبیعی متانول بیشتری دارند، بنابراین بهتر است عرقیات گیاهی از این دسته گیاهان، در حجم بالا و به‌طور مداوم مصرف نشود تا از خطرات احتمالی جلوگیری شود.



ابراهیم رهبر نویسنده و منتقد ادبی در ۸۷ سالگی درگذشت. وی متولد ۱۳۱۷ در صومعه‌سرا، از نویسندگان ایرانی دهه ۱۳۴۰ بود. وی دانش‌آموخته رشته زمین‌شناسی (۱۳۴۴) و بازنشسته وزارت کشاورزی (۱۳۵۹) و به کشورهای مختلفی از جمله آلمان مسافرت کرده‌بود. همزمان با تشکیل کانون نویسندگان ایران، ابراهیم رهبر به عضویت آن درآمد. او در سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. همزمان با تشکیل کانون نویسندگان ایران، ابراهیم رهبر به عضویت آن درآمد. او در سال ۱۳۴۹ فعالیت خود را با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان آغاز کرد. از ابراهیم رهبر آثاری نظیر: «چاپ آخر زندگی»، «در شهری کوچک»، «شاهد رسمی»، «من در تهرانم»، «نام کسما»، «مهربانان و سه نمایشنامه‌ی دیگر»، «نونو و چهار نمایشنامه‌ی دیگر»، «سگواران»، «دود و آه» به‌چاپ رسیده است.

تأمیل مفاهیم غامض علمی بازندگی روزمره در مجموعه «کمدی‌های کیهانی» ایتالو کالوینو؛

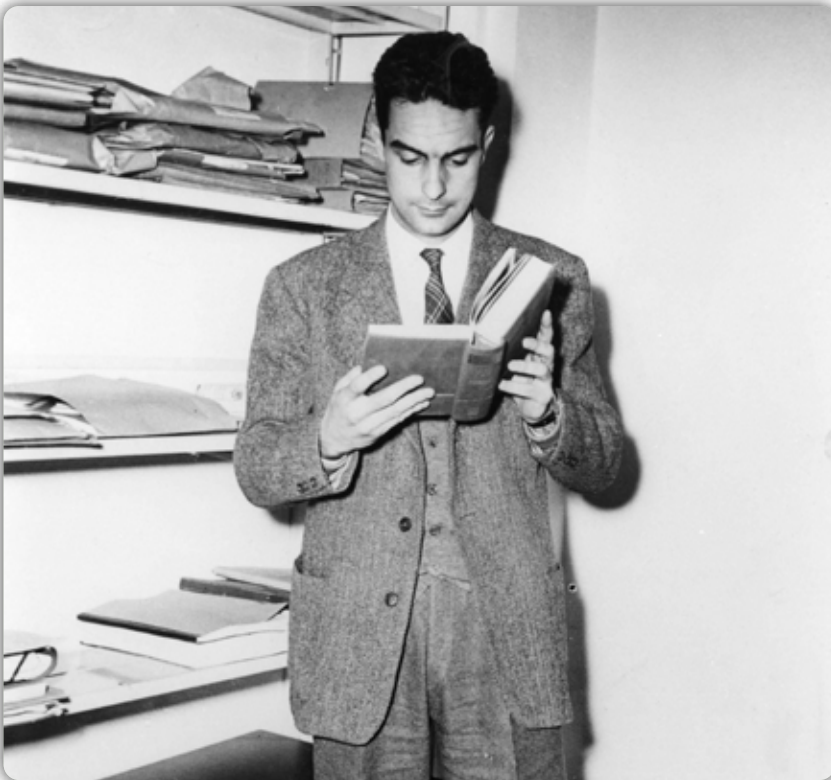
سفر روی بال‌های تخیل

سپیده بیگدلی

«ایتالو کالوینو نویسنده جهان نانوشته است؛ این گفته «کارلوس فونتنس» را می‌توان بهترین و کامل‌ترین تعبیر از جهان داستانی غریب کالوینو ایتالیایی دانست؛ تعبیری که در اکثر آثار او، به‌خصوص در مجموعه داستان «کمدی‌های کیهانی» ملموس است. در این مجموعه، کالوینو مخاطب را در برابر جهانی قرار می‌دهد که به احتمال قریب به یقین، تابحال به این شکل و سیاق با آن روبه‌رو نشده است؛ جهانی متشکل از علوم نجوم، کیهان‌شناسی و فیزیک و در عین حال داستان‌پردازی و توصیف و طنز!

«کمدی‌های کیهانی» مجموعه‌ای از دوازده داستان کوتاه مستقل اما مرتبط است که اولین بار سال ۱۹۶۵ منتشر شد. داستان‌های این مجموعه از منظر موجودی ازلی به نام Qfwfq روایت می‌شوند و هر کدام از یک نظریه علمی پیرامون کیهان جان گرفته‌اند؛ نظریه‌هایی مثل اینکه سیاره‌های منظومه شمسی با چگال شدن ابرهایی از مایع بی‌شکل بوجود آمده‌اند. درواقع، کالوینو با تلفیق علوم مختلف و توانایی تکان‌دهنده‌اش در داستان‌پردازی و طنازی، علوم را در لفاف گیرایی از داستان‌های پویشنده جهانی می‌سازد که مخاطب را در وهله اول متعجب و سردرگم و به‌مرور شگفت‌زده در نهایت شیفته می‌کند. او که یکی از شاخص‌ترین نویسندگان پست‌مدرن دنیاست، در این کتاب اوج توانایی‌اش در تلفیق ژانرهای مختلف را به نمایش می‌گذارد و با زیر پا گذاشتن المان‌های رایج داستان‌نویسی، یکی از عجیب‌ترین و آوانگارترین مجموعه داستان‌های ایتالیا و حتی دنیا را خلق می‌کند.

در «کمدی‌های کیهانی» هر داستان با چند خطی از یک واقعه علمی، نظریه‌ای شناخته‌شده از یک دانشمند مشهور یا یک کتاب علمی شروع می‌شود و در ادامه با داستانی سرشار از تخیل حول این نظریه روبه‌رو می‌شویم. بطور مثال داستان اول، «فاصله ماه» با این نظریه شروع می‌شود: «به گفته سر جرج اچ. داروین، ماه زمانی خیلی به زمین نزدیک بود، بعدها مد بتدریج آن را به عقب راند، مدی که خود ماه در دریا‌های زمین وجود می‌آورد، و در این دریاهاست که زمین آرام آرام انرژی‌اش را از دست می‌دهد؛ بعد شاهد روایت Qfwfq از دورانی هستیم که ماه به زمین نزدیک‌تر بود و آدم‌ها می‌توانستند با نردبانی پا روی آن بگذارند و شیر غلیظ ماه را جمع‌آوری کنند؛ کالوینو توصیف‌هایی شگفت‌انگیز از سطح ماه می‌کند و مخاطب را به دنیای خیال می‌برد. به همین ترتیب تمام داستان‌ها که با یک بند علمی به‌ظاهر خشک شروع می‌شوند، به روایتی گرم سرشار از تخیل خاص کالوینو می‌رسند که در آن‌ها با مسائلی مثل عشق، دوستی، تنهایی و تکامل روبه‌رو هستیم؛ این همان نکته حائز اهمیت است که باعث می‌شود این داستان‌ها تنها خیال‌پردازی‌هایی پیرامون مسائل علمی نباشند، بلکه



می‌سازند که چطور ذهن کسی توانسته به چنین گوشه‌های غریبی از حیات سرک بکشد و طوری از آن‌ها بنویسد که انگار معمول‌ترین و شناخته‌شده‌ترین پدیده جهان‌اند و هرروز با آن‌ها سروکار داریم. او خود در مصاحبه‌ای در مورد ایده‌های این داستان‌ها گفته بود: «نوشتنشان دو سالی طول کشید؛ اینطوری شروع شد، عادت کرده بودم تصاویری را که مثلاً موقع خواندن کتابی در زمینه کیهان‌شناسی به ذهنم می‌رسد حفظ کنم؛ یعنی از جایی شروع کنم که با سازوکار تخیلاتی که برایم آشنا تر است، فاصله داشته باشد. کافی بود به تعداد کافی از این تصاویر جمع کنم تا تعدادی شروع و دلایلی برای حرکت در اختیار داشته باشم، بعد فقط لازم بود آن‌ها را بپورانم».

نقطه قوت دیگر کتاب، همانطور که گفته شد، روای غیرمعمول‌اش است؛ Qfwfq که انگار همیشه و از ازل شاهد تمام اتفاق‌ها بوده، در داستانی یک آدم است، در داستان دیگری یک یاخته و نرم‌تن و در داستانی دیگر یک دایناسور. او همیشه هست و با این‌که ماهیت ثابتی ندارد، به‌مدد پرداخت بی‌نقص کالوینو، باورش می‌کنیم و گوش به حرف‌هایش می‌سپاریم. همه شخصیت‌های این داستان‌ها نام‌هایی مثل Qfwfq دارند و این مسئله در دل فضای غیرمعمول داستان‌ها طبیعی و باورپذیر بنظر می‌رسد. بطور کلی «کمدی‌های کیهانی» اثری رشک‌برانگیز است؛ هرچند ممکن است به‌زعم بعضی نقدها به این اثر، خواننده دچار سردرگمی و ابهام شود و نتواند با همه داستان‌ها بطور مساوی ارتباط برقرار کند یا حس کند بجای داستان با متنی علمی و فانتزی و فاقد ارزش‌های داستانی روبه‌روست، باین‌حال نمی‌شود انکار کرد اثر کالوینو تجربه‌ای نور دنیای داستان‌نویسی است و اثری است که حتی اگر با آن ارتباط برقرار نکنیم، نمی‌توانیم ارزش‌هایش را انکار کنیم. در نهایت؛ کالوینو نویسنده‌ای کم‌نظیر در سطح دنیاست. نویسنده‌ای که خوب می‌داند چطور یک نردبان پیش روی مخاطبش بگذارد و او را روانه دنیای دیگری کند تا ضمن غرق شدن در شگفتی‌های جهان تازه، گوشه‌هایی از خودش را هم در آن ببیند.

همچنین خانواده ZIZU که تنها بدلیل دیرتر آمدن، «مهاجر» نامیده می‌شوند و از طرف بقیه مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند و می‌توانند اشاره‌ای به مهاجرها در دنیای امروز باشند که بدلالی غیرمنطقی و غیرعادلانه مورد تبعیض قرار می‌گیرند. از دیگر بازنمایی‌های زندگی انسان امروز در داستان‌های ماقبل تاریخ این اثر، تقلب، دروغ‌گویی و میل بیمارگونه به برتری در داستان «بازی‌های بی‌پایان» است؛ در این داستان رقیب Qfwfq حین بازی‌شان با اتم‌ها، تقلب می‌کند و اتم‌های نو را تنها برای خودش برمی‌دارد، این کار باعث می‌شود دوستی این دو به دشمنی تبدیل شود و دیگر از بازی لذت نبرند و در دور رقابتی فرسایشی بیفتند که تنهایشان می‌کند. و به همین ترتیب هر داستان نمودی از یک مسئله‌ی همه‌شامل است و در کنار روایت طنزآلود کالوینو و بهره‌گیری از اصول علم، تبدیل به تجربه‌ای فراموش‌نشده برای خواننده تبدیل می‌شود.

تخیل شگفت‌انگیز کالوینو در دل این مجموعه داستان در قله است؛ او که با نوشتن «بارون درخت‌نشین» و «ویکت دو نیم‌شده» در سطح جهان به شهرت رسیده بود، با نوشتن این کتاب در چهل‌سالگی نشان داد، شیفته کشف و تجربه دنیاهای جدید است و تن به تکرار خویش نمی‌دهد. مهارت غبطه‌برانگیز او در خلق شخصیت‌های نامتعارف و در عین حال بشدت باورپذیری مثل Qfwfq، تخیل بی‌مرزش برای داستان‌سرایی و خونسردی‌اش در پرداختن به موضوعاتی که تاکنون نویسنده‌ای به سراغش نرفته، «کمدی‌های کیهانی» را به یکی از بهترین آثار او و یکی از شایسته‌ترین نماینده‌ها برای معرفی دنیای داستانی غنی‌اش تبدیل می‌کند. کالوینو برای نوشتن این اثر، تجربیات زیسته و مطالعات گسترده‌اش پیرامون کیهان‌شناسی را دستمایه قرار داده است؛ او به لطف پدر و مادر گیاه‌شناسش، از کودکی پیوندی ناگسستنی با طبیعت داشت و برای کتاب‌های مصور آن‌ها قصه‌هایی تخیلی می‌ساخت. همین تخیل ورزیده‌شده در طول سال‌ها، به خلق داستان‌های کمدی‌های کیهانی انجامیده؛ داستان‌هایی که مخاطب را، فارغ از این‌که با فضای کتاب ارتباط برقرار می‌کند یا نه، مهیوت

شرکت کاتل (CATL) اعلام کرد که نیمی از فروش کامیون‌های سنگین در چین تا سال ۲۰۲۸، می‌تواند خودروهای برقی باشد که نسبت به ۱۰ درصد سال ۲۰۲۴، افزایش چشمگیری نشان می‌دهد.

«زنگ یوکون»، مدیرعامل شرکت قطعات خودروی چینی «کاتل»، این خبر را در مراسم رونمایی از طرح تعویض باتری کامیون‌های سنگین مطرح کرد و سایت خبری دولتی چینی جیمیان، آن را گزارش کرد. این خبر نشان می‌دهد که تقاضا برای سوخت در بخش حمل و نقل جاده‌ای که پیش از این نیز تحت تاثیر افزایش کامیون‌های ال‌ان‌جی سوز در چین قرار گرفته بود، با موانع بیشتری روبرو خواهد شد.



نسل دوم نوآوری: آيا زيست‌بوم استارت‌آپی ايران به بلوغ رسيده است؟

نوآوری پشت چراغ قرمز دولت!

نگار سلحشور



در سال ۲۰۲۳، بیش از یک میلیارد دلار سرمایه جسورانه جذب شد. در ترکیه، دولت با ایجاد خوشه‌های دانش‌بنیان و تخصیص مالیات ارزش افزوده برای صندوق‌های نوآوری، به استارت‌آپ‌ها آزادی عمل واقعی داده است؛ اما در ایران، فقدان آزادی اقتصادی، تمرکزگرایی سیاسی، و سلطه نهادهای دولتی بر مسیر بازار، هنوز اجازه نمی‌دهد که یک تیم خلاق بتواند بدون «واسطه» به منابع و فرصت‌های رشد دست یابد. ما با نوعی «نوآوری فرمایشی» مواجهیم؛ ساختاری که تلاش می‌کند خلاقیّت را مهار کند، نه آزاد. و همین تضاد، مهم‌ترین مانع رشد اکوسیستم نوآوری در ایران است.

خلاقیّت، اگر مجال یابد...

زیست‌بوم نوآوری ایران، با تمام ظرفیّت‌ها، خلاقیّت‌ها و انرژی انسانی چشم‌گیرش، درگیر نوعی «پارادوکس ساختاری» است: از یک‌سو هزاران جوان پرانگیزه با ایده‌هایی خلاقانه در سراسر کشور در حال شکل دادن به نسل دوم استارت‌آپ‌ها هستند؛ از سوی دیگر، دیوارهایی بلند از بوروکراسی، مرکزگرایی، نگاه ابزاری به نوآوری و سیاست‌گذاری فرمایشی، راه آن‌ها را سد کرده‌اند. آنچه این گزارش نشان داد، تضادی بود میان تصویر رسمی و میدان واقعی؛ میان زیست‌بومی که در آمارها و تریبون‌ها می‌درخشد، اما در واقعیت، به‌سختی نفس می‌کشد. بسیاری از تیم‌های نوآور در شهرستان‌ها، بدون دسترسی به شبکه سرمایه‌گذاران، شتابدهنده‌های واقعی یا زیرساخت‌های قانونی، در تنهایی مطلق و با تکیه بر «اشتیاق» مسیر خود را می‌روند.

برای برون‌رفت از این وضعیت، تنها یک راه وجود دارد: بازتعریف نقش دولت از مداخله‌گر به تسهیل‌گر سیاست‌گذاری نوآوری در ایران باید از مدل‌های «از بالا به پایین» فاصله بگیرد و بپذیرد که خلاقیّت، در ذات خود، نیازمند آزادی، دسترسی، و خطا کردن است. به جای رتبه‌بندی‌ها و گواهی‌نامه‌ها، باید اکوسیستم را آزاد گذاشت تا خودش رشد کند؛ همان‌طور که طبیعت، با دخالت کم‌تر، بهتر زنده می‌ماند.

چه باید کرد؟ پیشنهادهای مشخصی در این زمینه قابل طرح است:

تمرکززدایی ساختاری: اعطای اختیار کامل به مراکز نوآوری استانی در تخصیص منابع و شناسایی تیم‌ها؛

معافیت‌های مالیاتی بلندمدت برای استارت‌آپ‌های غیردولتی؛ ایجاد صندوق‌های جسورانه منطقه‌ای با سرمایه‌گذاری ترکیبی بخش خصوصی و نهادهای شهری؛

آموزش رسمی نوآوری را از مقطع دبیرستان به بالا؛ و مهم‌تر از همه: حذف نگاه امنیتی و کنترل‌گر به نوآوری‌های مستقل

در نهایت، باید بپذیریم که زیست‌بوم نوآوری، نه محصول دستورالعمل و گزارش عملکرد، که میوه اعتماد، مشارکت، و فرصت‌آفرینی است. اگر خلاقیّت مجال یابد، آینده اقتصاد ایران، دیگر فقط نفت نخواهد بود.

تقریباً همه استارت‌آپ‌هایی که در شهرستان‌ها فعالیت می‌کنند، با ضعف زیرساخت ارتباطی، عدم دسترسی به سرمایه‌گذار، قوانین دست‌وپاگیر مالیاتی و نداشتن امکان آزمون محصول در بازار مواجه‌اند. و این، حتی در مورد تیم‌هایی صادق است که در زیست‌بوم رسمی مورد حمایت اولیه قرار گرفته‌اند. درست در نقطه مقابل این روایت‌ها، همایش‌های رسمی و گزارش‌های رنگی از «شتاب اکوسیستم استارت‌آپی کشور» در جریان است؛ گویی آنچه در میدان اتفاق می‌افتد، هیچ نسبتی با تصویرهای روی سن ندارد.

سیاست‌های حمایتی یا سیاست‌های نمایشی؟

در ادبیات رسمی توسعه، نوآوری نه‌فقط به‌مثابه خلق ایده، بلکه به‌مثابه محصول نهادسازی دیده می‌شود. اما در ایران، به‌نظر می‌رسد نوآوری هنوز در حد یک پروژه تبلیغاتی یا گزارش عملکردی باقی مانده است؛ چیزی برای تزئین پاورپوینت‌ها، نه تغییر واقعیت‌های ساختاری. اگر از خود بپرسیم «چه چیزی باعث می‌شود یک کشور نوآور باشد؟»، پاسخ ساده نیست. اما بدون شک یکی از مؤلفه‌های بنیادین، وجود ساختار حمایتی انعطاف‌پذیر، غیرمتمرکز و شفاف است؛ چیزی که زیست‌بوم استارت‌آپی ایران به‌شدت از آن رنج می‌برد.

نهادهایی مانند معاونت علمی ریاست‌جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، پارک‌های علم و فناوری و شتابدهنده‌ها، در ظاهر پازل‌های این اکوسیستم را تشکیل می‌دهند. اما آیا این نهادها واقعاً در خدمت خلاقیّت هستند یا خود به بخشی از بوروکراسی معطل‌ساز تبدیل شده‌اند؟ گزارش‌های نظارتی مرکز پژوهش‌های مجلس و حتی برخی گزارش‌های خود این نهادها نشان می‌دهد که بسیاری از استارت‌آپ‌ها در فرآیند ارزیابی، تخصیص بودجه یا دریافت تسهیلات، یا با دیوان‌سالاری سنگین مواجه‌اند، یا اصلاً از گیت‌های تعریف‌شده عبور نمی‌کنند. از سوی دیگر، سیاست‌های تشویقی همچون معافیت‌های مالیاتی یا اولویت در مناقصه‌ها، اغلب مشروط به دریافت گواهی دانش‌بنیان هستند؛ گواهی‌ای که خود در مسیری مبهم و پرپیچ‌وخم صادر می‌شود و اساساً بسیاری از استارت‌آپ‌های تازه‌کار یا غیرآکادمیک، امکان دریافت آن را ندارند. به بیان دیگر، سیاست‌گذار عملاً میان «نوآوری واقعی» و «نوآوری رسمی‌شده» تفاوت قائل نیست و فقط آن بخشی را به رسمیت می‌شناسد که در چارچوب‌های فرمی قرار بگیرد.

از این منظر، نقدهایی که به «نمایشی بودن» اکوسیستم استارت‌آپی وارد شده، بی‌پایه نیست. بسیاری از استارت‌آپ‌ها صرفاً برای دریافت وام، تسهیلات یا فرصت حضور در نمایشگاه، ثبت شرکت کرده‌اند. پس از آن نیز با فعالیت‌شان متوقف می‌شود یا در چرخه‌ای از گزارش‌سازی برای نهادهای حمایتی گرفتار می‌شوند؛ بدون آنکه ارزش افزوده‌ای برای اقتصاد ملی ایجاد کنند. در این میان، مقایسه با تجربیات منطقه‌ای جالب‌توجه است. در امارات متحده عربی، شهر دوبی با ایجاد مراکز نوآوری باز (Open Innovation Hubs) و نهادهای تسهیل‌گر جذب سرمایه خارجی، توانسته ده‌ها استارت‌آپ موفق را به چرخه صادرات و خدمات بین‌المللی وارد کند. در عربستان، برنامه Vision ۲۰۳۰ با تمرکز بر فین‌تک، سلامت دیجیتال و تولید محتوای بومی، زمینه‌ای فراهم کرده که تنها

از سوی دیگر، طبق گزارش شاخص جهانی نوآوری (WIPO)، ایران در زیرشاخص‌هایی مانند آموزش، ظرفیّت علمی و منابع انسانی وضعیت نسبتاً مناسبی دارد، اما در شاخص «پیوند نوآوری و بازار» و «زیرساخت حمایتی» با شکاف جدی مواجه است. یعنی نوآوری هست، اما مسیر رسیدن آن به بازار یا صنعت، تنگ و پرهزینه است. واقعیت این است که سیاست‌های نوآوری در ایران بیشتر از جنس ویتیرین‌سازی هستند تا زیرساخت‌سازی. معاونت علمی و سایر نهادهای بالادستی، بیشتر بر برگزاری رویداد، نمایشگاه، رتبه‌بندی و حمایت‌های تشریفاتی تمرکز دارند. این در حالی‌ست که نوآوری واقعی، بیش از همه به آزادی عمل، دسترسی به سرمایه، حذف موانع قانونی و جسارت تجربه کردن نیاز دارد؛ عناصری که هنوز در ساختار بوروکراتیک کشور جایی نیافته‌اند.

روایت‌هایی از خط مقدم نوآوری

در کارخانه نوآوری آزادی، اتاقی کوچک در طبقه دوم، میزبان تیمی چهارنفره است که روی توسعه یک ابزار هوش مصنوعی برای پایش داده‌های امنیت سایبری کار می‌کنند. سعید، برنامه‌نویس اصلی تیم، فارغ‌التحصیل دانشگاه امیرکبیر است. او می‌گوید: «سه سال پیش این ایده رو با سرمایه شخصی شروع کردیم. تا الان سه بار داوطلب شدیم برای دریافت تسهیلات از صندوق نوآوری، ولی هر بار یا فرآیند ارزیابی طولانی شده یا گفتند اول باید شرکت‌تون وارد لیست دانش‌بنیان بشه.» در حالی که محصول آن‌ها هم‌اکنون در دو سازمان دولتی به‌صورت آزمایشی استفاده می‌شود، هنوز نتوانسته‌اند حمایت رسمی دریافت کنند.

در زنجان، تیم دیگری با نام زرپاد روی پروژه‌ای برای هوشمندسازی آبیاری زمین‌های کشاورزی کار می‌کند. این پروژه، از طریق حسگرهایی که به‌صورت بی‌سیم به اپلیکیشن موبایل متصل‌اند، می‌تواند میزان دقیق آب مورد نیاز هر بخش از زمین را تعیین کند. محسن، یکی از بنیان‌گذاران زرپاد، می‌گوید: «ما توی پارک علم و فناوری زنجان مستقر شدیم، ولی برای گرفتن مجوز اتصال به سامانه‌های دولتی یا فروش به تعاونی‌ها، باید از تهران مجوز بگیریم. همین موضوع، عملاً ما رو از بازار حذف می‌کنه.» او معتقد است که مشکل اصلی، نه نبود ایده یا محصول، بلکه «مرکزگرایی سیاست‌گذاری» و «سیطره نهادهای دولتی بر مسیر فروش» است.

در شیراز، دو جوان با نام سحر و نازنین، که هردو فارغ‌التحصیل رشته طراحی صنعتی‌اند، روی یک ابزار کمک‌حرکتی برای سالمندان کار می‌کنند که با چاپگرهای سه‌بعدی تولید می‌شود. آن‌ها از یکی از شتاب‌دهنده‌های حوزه سلامت حمایت ابتدایی دریافت کرده‌اند، اما به گفته خودشان، بعد از پایان دوره پیش‌شتاب‌دهی، «هیچ نهاد یا سرمایه‌گذاری سراغمان نیامد». سحر با لحنی طعنه‌آمیز می‌گوید: «تو نمایشگاه نوآوری پارسال که شرکت کردیم، فقط عکس‌ها مون رو گرفتن برای خبرگزاری‌ها، ولی هیچ قراردادی امضا نشد».

این روایت‌ها گرچه پراکنده‌اند، اما نقطه اشتراک دارند: انرژی انسانی بالا، ایده‌های نو، اما ساختاری غایب که بتواند نوآوری را از سطح فردی و اتمیزه به سطح نهادی و اقتصادی ارتقاء دهد.

تهران، اردیبهشت ۱۴۰۴ - درست در میانه بازارچه‌ای کوچک در شرق تهران، زیر یک سقف شیروانی فلزی و میان انبوهی از سیم‌کشی‌ها و لپ‌تاپ‌های قدیمی، سه جوان در حال آزمایش یک سنسور هوشمند کشاورزی‌اند؛ محصولی بومی که می‌تواند با تحلیل داده‌های رطوبت و دمای خاک، آبیاری زمین را بهینه کند. ایده‌ای ساده اما کارآمد که در اغلب کشورهای توسعه‌یافته با حمایت‌های دولتی به تجاری‌سازی رسیده است. اما اینجا، تنها حامی آن‌ها یک کارفرمای خوش‌ذوق است که حاضر شده برای خرید اولیه سرمایه‌گذاری کند. در همان روز، رئیس مرکز توسعه فناوری‌های راهبردی معاونت علمی، از «شکل‌گیری نسل دوم استارت‌آپ‌های فناوری محور» خبر می‌دهد. بیش از ۶۲۰۰ استارت‌آپ در کشور فعال شده‌اند و به گفته مسئولان، این زیست‌بوم جزو «بزرگ‌ترین» نمونه‌های منطقه است. اما این رشد کُهی تا چه اندازه کیفیت دارد؟ آیا پشت این اعداد، نوآوری واقعی جریان دارد یا صرفاً با پدیده‌ای ویتیرینی و پروژه محور رویه‌رو هستیم؟ اگر قرار است نسل دوم استارت‌آپ‌ها جای خود را در اقتصاد ایران پیدا کنند، باید «نسل اول سیاست‌گذاران» جای خود را به نسل تازه‌ای از نهادهای تسهیل‌گر، جوان و بی‌واسطه بدهند. زیست‌بوم نوآوری، یک ساختار رسمی نیست؛ یک اکوسیستم زنده، پویا و در حال خطر کردن است. این زیست‌بوم نیاز به تنفس دارد نه دستور. نیاز به سرمایه اجتماعی دارد، نه فقط وام و مجوز.

عده‌ها چه می‌گویند؟

طبق آخرین اعلام رسمی دکتر اسماعیل قادری‌فر، رئیس مرکز فناوری‌های راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، تاکنون بیش از ۶۲۰۰ استارت‌آپ در ایران ثبت و فعال شده‌اند. وی در گفت‌وگویی رسانه‌ای تأکید کرده که «نسل دوم استارت‌آپ‌های فناوری محور» پس از بلوغ نسبی استارت‌آپ‌های حوزه خدمات، اکنون در حال شکل‌گیری است. به گفته او، این شرکت‌ها نه‌تنها ایده‌محور، بلکه در مسیر تجاری‌سازی و تأثیرگذاری عملی بر اقتصاد کشور قرار گرفته‌اند. عباراتی مانند «غول‌های اقتصاد آینده» و «بزرگ‌ترین زیست‌بوم استارت‌آپی در جنوب غرب آسیا» اکنون به‌صورت مکرر در گفت‌وگوهای رسمی سیاست‌گذاران شنیده می‌شود. از منظر مفهومی، استارت‌آپ‌ها شرکت‌هایی نوپا با ظرفیّت رشد سریع هستند که بر پایه فناوری‌های نوین شکل می‌گیرند و محصول یا خدمتی جدید یا متحول‌شده عرضه می‌کنند. اما در عمل، تعریف استارت‌آپ در ایران با ابهام و انبساط همراه بوده و گاه هر اپلیکیشن خدماتی یا فروشگاه‌ای هم ذیل این عنوان جای گرفته است.

بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که رشد عددی الزاماً به معنای بلوغ زیست‌بوم نیست. بر اساس گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، تنها ۹ تا ۱۲ درصد از استارت‌آپ‌های ثبت‌شده به مرحله پایداری تجاری می‌رسند و کمتر از ۶ درصد موفق به جذب سرمایه جسورانه (VC) یا ورود به زنجیره تولید ملی می‌شوند. بخش قابل‌توجهی از این شرکت‌ها، پس از دریافت حمایت اولیه یا حضور در یک نمایشگاه، عملاً متوقف می‌شوند.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی کرج - نوبت دوم

برابر رای شماره ۱۴۰۴۰۳۳۹۱۱۰۰۰۵۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ناحیه سه کرج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سعیدالله لطفی نژاد اسنقی بشناسنامه شماره ۳۶۲ صادره از تبریز فرزند احد در شش‌دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۰۴/۷۴ متر مربع مفروز از پلاک شماره ۲۹۵ فرعی از ۱۴۴ اصلی واقع در البرز و با خریداری از آقای علی اکبر ایزدیار و با مالکیت مالک اولیه آقای ناصر میرهاشمی تایید مینماید لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. ۱۹۱۹۹۴۰ تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه کرج

احترام ناهید کیانی واجب است

ملی‌پوش المپیکي تکه‌واندو گفت: من و ناهید هیچ مشکلی با هم نداریم و دو دوست و رقیب هستیم و همین رقیب بودن سبب پیشرفت ما می‌شود. احترام ناهید کیانی واجب است.

به گزارش «دنیای هوادار»، مبینا نعمت‌زاده روز گذشته در مراسم روز جهانی موزه، اظهار داشت: امروز بیست سالم می‌شود و یک برنامه هایی برای ۲۰ سالگی در نظر دارم. امیدوارم در پایان ۲۱ سالگی به هدف‌هایم برسم و با مدال‌هایم دل مردم کشورمان را شاد کنم.

وی افزود: حدوداً سه ماه است که پرفشار در اردوی تیم ملی تکه‌واندو هستیم. ۲ هفته گذشته از چین با مدال طلا و برنز برگشتم. مدال برنز در یک وزن بالاتر بود. اولین مسابقه بین‌المللی در وزن ۵۷ کیلوگرم را انجام دادم. دو ماه آینده مسابقات دانشجویان جهان و ۶ ماه آینده مسابقات جهانی را در پیش داریم و برای این دو رویداد در اردوی تیم ملی هستیم.

ملی‌پوش تکه‌واندو عنوان کرد: همه چیز درباره سرمربی تیم ملی مشخص است و ۲ هفته پیش مهرورز ساعی با اینکه سرمربی نبود، بهترین مربی آسیا شد و کاپ بهترین سرمربی را دریافت کرد. از نظر من او بسیار لایق است و باید ببینیم نظر کمیته فنی چیست.

وی درباره حواشی با ناهید کیانی در چین یادآور شد: من و ناهید هیچ مشکلی با هم نداریم و دو دوست و رقیب هستیم و همین رقیب بودن سبب پیشرفت ما می‌شود. وقتی در اردوی تیم ملی دو نفر کنار هم هستند باعث پیشرفت هم می‌شوند. وزن المپیکي ما یکی است اما وزن جهانی ما یکی نیست. امیدوارم هر دو به مسابقات جهانی اعزام شویم و با مدال طلا دل مردم را شاد کنیم. هیچ کدورت و قهری بین ما نبود. یک بازیکن بعد از باخت امکان دارد ناراحت شود و نمی‌توانم ناهید را قضاوت کنم. شاید اگر من هم می‌باختم ناراحت می‌شدم. من به سمت او رفتم و در انتها به هم دست دادیم و او بزرگ‌تر از من و احترامش واجب است.

نعمت‌زاده خاطرنشان کرد: در همین وزن باقی می‌مانم و نمی‌توانم به وزن ۴۹ کیلوگرم بروم. قدم ۱۷۹ هست و قد بلندی دارم و همان چهار سالی که برای المپیک قبلی در وزن ۴۹ کیلوگرم مسابقه می‌دادم خیلی تحت فشار بودم. وزن زیاد کم کردن روی روح، روان، زندگی روزمره و آینده من تاثیرگذار است. اگر بخوام هشت سال برای کشورم بجنگم و اگر بخوام عمر قهرمانی بلندتری داشته باشم باید تغییر وزن می‌دادم. اگر دوباره وزن کم می‌کردم آسیب بدی می‌دیدم و دیگر نمی‌توانستم تکه‌واندو را ادامه دهم. از طرف فدراسیون درخواست شده بود تا در وزن ۴۹ کیلوگرم بمانم و با رژیم خیلی حرفه‌ای وزن کم کردم تا آسیب نبینم. برنامه این بود تا المپیک ۲۰۲۰ در وزن ۴۹ کیلوگرم مسابقه دهم و بعد از آن تغییر وزن دهم.

وی گفت: من بعد از المپیک پاریس تنها یکماه استراحت و بعد تمریناتم را شروع کردم. اولین المپین تکه‌واندو بودم که به مسابقات ورود کردم و در دو دوره لیگ اول شدم و در چین هم بازی کردم. اصلاً در لاک مدال المپیک خودم نرفتم و کار بسیار سختی در پیش دارم. تمرینات را پرفشار شروع کردم و نتیجه مطلوب را گرفتم. برای المپیک بعدی تمام تلاشم را می‌کنم تا خوش‌رنگ‌ترین مدال را بگیرم.



سرمربی تیم امید طی ۱۰ روز آینده مشخص می‌شود

«مهدی محمدنی» - نایب رئیس فدراسیون فوتبال - گفت: سرمربی تیم فوتبال امید ایران ظرف ۱۰ روز آینده مشخص و معرفی می‌شود. وی درخصوص سهیمة بازیکنان خارجی در فصل جدید رقابت‌های لیگ برتر اظهار کرد: سازمان لیگ هیأت رئیسه دارد و پیشنهادات باید در آنجا بررسی شود تا در نهایت در فدراسیون فوتبال و با خرد جمعی تصمیم‌گیری شود. باشگاه‌ها باید به بودجه خود مسلط باشند و این بودجه فقط مربوط به تیم بزرگسالان نیست. وقتی که می‌خواهیم به باشگاه‌ها فکر کنیم باید جوری برنامه‌ریزی کنیم که دچار مشکل نشوند. هزینه انباشته برای هر باشگاه مساوی است با ورشکستگی. اما قانون گذاری در خصوص وحدت رویه برعهده سازمان لیگ است.



دنیای هوادار

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴ شمارگان ۱۸۱۶

ورزش

خارج از گود

«دنیای هوادار» گزارش می‌دهد:

تراکتور چگونه قهرمان شد؟



حسن صنعی پور

کمتر هواداری در فوتبال ایران پیدا خواهد شد که از قهرمانی تراکتور تبریز در لیگ برتر فوتبال ایران ناراحت شده باشد. تیمی دوست‌داشتنی که جمعیت عظیمی از اهالی آذربایجان بزرگ و حتی سایر نقاط ایران بزرگ را پشت سر خود داشته و در نود دقیقه هر بازی، شور و حال و زندگی را به فوتبال سرزمین آریایی هدیه می‌کند. باشگاهی که دارای قدمت بوده و بزرگان زیادی را به فوتبال کشور معرفی کرده است. البته از سرزمین غیور و با تعصب آذربایجان انتظار چنین شرایطی دور از انتظار نیست و باید به مردمان خونگرم این دیار به خاطر قهرمانی مقتدرانه نماینده آذربایجان تبریک گفت. در ادامه به آنچه باعث شد تا تراکتور تبریز قهرمان ایران شود، اشاره خواهیم نمود:

خروج از پوسته آماتوری

به جرات باید گفت؛ فوتبال ایران بعد از بیست و چهار دوره برگزاری لیگ حرفه‌ای هنوز هم دچار لایه‌های پنهان و آشکار آماتوری است. در این بین چند باشگاه از جمله تراکتور تبریز با پرداختن به اصول این صنعت بزرگ از پوسته آماتوری خود خارج شده و اگر آنان را به تمامی حرفه‌ای تلقی نکنیم، باید عنوان نیمه حرفه‌ای را برای آنان در نظر بگیریم. پرداختن به زیرساخت‌ها، بستن قراردادهای مناسب، پرداختن درست به اقتصاد باشگاه‌داری و ایجاد چارت مدیریتی کارآمد را می‌توان از شرایط و مقدمات موفقیت تراکتور در چند سال اخیر دانست. جریانی که به قهرمانی آنان در لیگ بیست و چهارم منتهی شد.

حضور همیشگی هواداران

اگر تراکتور را پُرتعدادترین باشگاه ایران ندانیم، مسلماً باید این باشگاه را با تعصب‌ترین و آماده‌ترین باشگاه بلحاظ داشتن هوادار تلقی کنیم. هواداران این تیم با حضور حداکثری در ورزشگاه یادگار امام و سایر ورزشگاه‌های ایران هرگز بازیکنان و کادرفنی خود را در مسابقات گوناگون داخلی و خارجی تنها نگذاشته‌اند. حمایتی بی نظیر که آنان را به معنای واقعی تبدیل به یار دوازدهم این تیم کرده و جو تمام ورزشگاه‌ها را به نفع آنان تغییر داده است. «حضور وصف ناپذیر هواداران تراکتور در جشن قهرمانی این تیم گواه این مدعاست».

باشگاه‌داری خصوصی

شاید باشگاه‌داری خصوصی در ایران ممکن و حتی متصور نباشد. حرکت در این مسیر و رسیدن به آن مستلزم شرایط اقتصادی و اجتماعی منحصر به فردی است که رسیدن به آن اگر غیرممکن نباشد، بسیار سخت است. اما تراکتور را باید در کنار سپاهان اصفهان و اندک باشگاه‌های دیگر خصوصی و یا به تعبیر بهتر نیمه‌خصوصی تلقی کنیم. بزرگترین حسن باشگاه‌های خصوصی، استقلال در تصمیمات و تعیین تکلیف در مورد اجرای برنامه‌های پیش‌بینی شده است. تراکتور با حضور زنوزی به عنوان مالک خصوصی، اختیارات بیشتری برای پرداختن به مشکلات و مسائل داخلی و خارجی داشته و در نهایت با درایت این مالک علاقمند

نقل و انتقالات موفق

سه انتقال بزرگ در تابستان گذشته کافی بود تا تراکتور بلحاظ عمق ترکیب، غنی‌ترین تیم ایران شود. علیرضا بیرانوند، دانیال اسماعیلی‌فر و مهدی ترابی که از ارکان قهرمانی پرسپولیس در فصول اخیر بودند، به قرمزپوشان آذربایجان پیوستند تا ابتدا دست سرمربی این تیم در تنوع تاکتیکی باز باشد و دیگر اینکه بخشی از شخصیت قهرمانی تهران به تبریز منتقل شود. تراکتور که در نقل و انتقالات سه فصل اخیر موفق به جذب بهترین‌های ایران و حتی منطقه خاورمیانه شده است، در خط دفاع با حضور محمد نادری و شجاع خلیل‌زاده و در خط هافبک با حضور گوز و در پیشانی خط حمله خود با امیرحسین حسین زاده هارمونی فوق‌العاده‌ای به ترکیب خود بخشیده و بجز چند مسابقه منحصر به فرد در تمامی فصل چشم نواز بازی کرد.

سرمربی با تجربه

دراگان اسکوچیچ که به بدترین وجه ممکن ایران را ترک کرد و حتی در مصاحبه‌های خود عنوان نموده بود که هرگز به ایران بازخواهد گشت، در انتخابی درست روی نیمکت تراکتور نشست تا با انگیزه‌هایی متفاوت و مضاعف قرمزپوشان آذربایجان را هدایت کند. تجربه گرانقدر اسکوچیچ که هم فوتبال باشگاهی و هم فوتبال ملی را در خود نهفته دارد، در نهایت به مدد تراکتور آمد. سرمربی تبریزی‌ها بجز چند مقطع کوتاه در لیگ برتر و لیگ قهرمانان آسیا که حتی به حذف آنان از آسیا نیز منجر شد در سایر مواقع فوق‌العاده عمل نمود. البته نباید از نقش سعید مظفری زاده و خداداد عزیزی نیز در موفقیت‌های این تیم به سادگی گذشت.

مبارزه با حواشی

تبریز در فصل بیست و چهارم کانون حواشی فوتبال ایران بود. علیرضا بیرانوند که در انتقالی جنجالی تهران را به مقصد تبریز ترک کرده بود. چند مصاحبه جنجالی از طرف کاپیتان این تیم و عکس‌العمل‌های مالک این باشگاه تمام توجهات را به سمت خود متوجه کرده بود. اما تراکتور با حضور مدیران کاربلد با حواشی مبارزه کرد. آنجا که لازم بود سکوت حاکم شد. آنگاه که به موجودیت باشگاه حمله شد، بیانیه صادر شد

«وار» و اثرات مثبت

به هیچ عنوان نباید از تاثیرات مثبت سیستم کمک داور ویدویی در فصل بیست و چهارم به سادگی گذشت. جریانی که ذهنیت منفی گذشته را از بین برد و نتایج را به مسائل غیرطبیعی و حتی غیرواقعی مرتبط نکرد. این سیستم در فصل بیست و چهارم به مدد داوران آمد تا دیگر هجمه بی دلیل گذشته را پشت سر خود احساس نکنند و با اطمینان بیشتری قضاوت نمایند. «وار» به تراکتور و سایر مدعیان نیز بلحاظ ذهنی کمک نمود تا تمرکز خود را از مسائل داوری متوجه بازی و تاکتیک‌های اتخاذی کادرفنی کرده و به همین دلیل فوتبال ایران در این فصل حواشی کمتری بلحاظ داوری داشت.

تراکتور چگونه قهرمان شد؟

براستی تراکتور چگونه قهرمان شد؟ در شرایطی که پرسپولیس همچون چند فصل گذشته بنا نداشت قافیه را به این تیم ببازد. در اوضاع و احوالی که سپاهان قدم و به قدم با نماینده آذربایجان پیش رفت. در این خصوص باید چند نکته مهم را اشاره نمود؛ ابتدا اینکه تراکتور لیگ را بیشتر از گذشته جدی گرفته بود. «آنان اشتباهات فصول قبل را کمتر مرتکب شدند». دوم ضعف مفرط پرسپولیس در فصل بیست و چهارم بود. قرمزپوشان تهران به هیچ عنوان صلابت گذشته را نداشته و بیشتر از آنکه روی مسائل فنی تمرکز داشته باشند، با پرداختن به حواشی مخرب، منحرف شده بودند. از طرفی استقلال تهران خیلی زود از کورس قهرمانی خارج شد و بعضی از نتایج این تیم شرایط را برای تراکتور آسان‌تر کرد. سپاهان نیز در انتهای لیگ تبدیل به تیمی معمولی شده و بجز شکست سرخابی‌های تهران هنر دیگری نداشت. تمام این شرایط به علاوه اراده بازیکنان این تیم که در مقاطع مختلف تحت فشار هوادار، مسائل داوری و از همه مهم‌تر، ذهنیت منفی چند فصل گذشته درخصوص از دست دادن قهرمانی در هفته‌های انتهایی بودند، تابو گذشته را در هم شکست تا تراکتور زودتر از آنچه متصور بود لیگ بیست و چهارم را به نام خود ثبت نماید.



■ سردبیر: مهدی تیموری

■ صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهرداد تیموری

■ صفحه آرا: امیر بیات

■ مدیر روابط عمومی: مهسا تیموری

■ تحریریه: دکتر مهرداد فرشیدی، مجید سعیدی، اصغر قلندری، محمدرضا کاظمی، سیدرضا فیض آبادی، حسن صانعی پور و سارا نصرتی

■ نشانی: کرج - بلوار جمهوری شمالی - کوچه میثم - پلاک ۱ - طبقه ۲ - واحد ۶ تلفن - نمابر: ۳۴۴۹۹۲۵۵ چاپ: کهن



www.donyayehavadar.ir

دنیای هوادار

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴
شمارگان ۱۸۱۶

«دنیای هوادار» یاد روح قلم و مرام زنده یادان **ناصر احمدپور و عباس عبدالملکی**، بزرگان عرصه مطبوعات ورزشی کشور را پاس می دارد



پلیس فضای تولید و
تبادل اطلاعات فراجا
www.fata.gov.ir

میخواهی تو سایتهای آگهی مثل دیوار، طلا بفروشی؟ میدونی ممکنه گرفتار قانون بشی؟!



#پلیس_فتا

اگه حواست نباشه پول دزدی به حسابت میزنن
بعدش علاوه بر اینکه حسابت مسدود میشه، باید به پلیس هم پاسخ بدی!!!!